

# سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۹ آذر ۱۳۸۵

۳۷

جمعه ها منتشر میشود

## تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶  
و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از  
کانال یک (شبکه هات برد) پخش  
میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به

حزب:

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)[www.jawanax.com](http://www.jawanax.com)[www.marxhekmatsociety.com](http://www.marxhekmatsociety.com)[www.iran-telegraf.com](http://www.iran-telegraf.com)[www.oktoberr.com](http://www.oktoberr.com)[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

## تشکیلات ما و رهبری مبارزات اجتماعی

محمد فتاحی

### پاسخ به یک سوال

در پاسخ به نوشته ای که قبلا در شماره ۳۱ سازمانده کمونیست منتشر شد، یکی از رفقای عضو یک کمیته کمونیستی برابم نوشته بود که تشکیلات ما در آن محل فعلا توان رهبری اعتراضات اجتماعی را ندارد. این مطلب برای پاسخ به این سوال است که چگونه میشود رهبری اعتراضات اجتماعی را به دست گرفت.

قبل از اشاره به اصل مسئله جا دارد نکته ای در مورد کمیته های کمونیستی اشاره کنم. کمیته های کمونیستی علی القاعده باید جمع رهبران، سازمان دهندگان و اتوریته های درون جامعه در محل باشند. در اینمورد در بحث کمیته های کمونیستی به تفصیل توسط کورش مدرسی توضیح داده شده است. بعضی از کمیته های کمونیستی ما در شرایطی ایجاد شدند که کادرهای حکمیست هنوز این موقعیت اجتماعی را کسب نکرده بودند. در غیر اینصورت نه چنین مشکلی داشتیم و نه چنین سوالی طرح می شد. بحث فعلی در خدمت بدست آوردن نقش رهبری توسط کمیته های کمونیستی و تشکیلات ما بر جامعه و تحركات اعتراضی و جنبش های اجتماعی است. در این بحث روی نکاتی تاکید میشود که پروسه پیشروی ما در جامعه در گرو در پیش گرفتن آن است.

### ۱- نقش رهبران اجتماعی

تشکیلات های ما در حالت فعلی تا زمانی که موقعیت رهبری را کسب نکرده اند، اولین نکته ای که در نظر میگیرند، تقلاي آنها در جهت جذب رهبران و سازماندهان درون جنبش های اجتماعی است. این پروسه ای است که هم تشکیلات ما را صاحب رهبر اجتماعی میکند، هم مبارزات اجتماعی را صاحب رهبر و سازمانده کمونیست میکند.

اما چرا در دست بردن به رهبری مبارزات اجتماعی چشم ما دنبال رهبران موجود در جنبش های اجتماعی است؟ چرا فقط از گسترش تشکیلات حرکت نمی کنیم؟ چرا نمیگوئیم اول باید تشکیلات قوی ساخت، بعدا سراغ رهبری جامعه رفت؟ چرا محل رجوع ما اساسا تشکیلات خودمان و بزرگی و کوچکی آن نیست؟ چرا سراغ رهبران اجتماعی را گرفتن اهمیت ویژه ای در سبک کار ما دارد؟ چرا نمیگوئیم بگذارید اول تشکیلات مان را به اندازه کافی بزرگ کنیم، آنگاه توسط آن تشکیلات قوی سراغ سازماندهی جامعه و هر کار دیگری برویم؟ مگر نه این است که کل سنت چپ رادیکال همین کار را میکند؟

سنت تا امروز و غالب بر فعالیت های چپ رادیکال مراجعه به رهبران اجتماعی نیست. سنت فرقه ای و حاشیه ای چپ راه دیگری می رود. در این سنت مشغولیت به تشکیلات خود، تقویت تشکیلات خود، تحركات و آکسیون سازمانی و تشکیلاتی خود آترناتیو مراجعه به رهبران و فعالین دست اندر کار است. در جامعه، توسط سنت چپ رادیکال تشکل و نهادهای متنوعی با عناوین مختلف متشکل از فعالین سیاسی تشکیل میشود و با دور زدن نقش رهبران و فعالین واقعی موجود در صحنه، میخوانند افراد را تک تک، اتمی و خارج از سوخت و ساز موجود در جنبش اجتماعی وارد صفوف خود کنند تا به حساب خود از این طریق جنبشی سازمان دهند.

در درون خود جنبش کارگری هم این سنت حاشیه ای کارگر چپ و کمونیست را وارد هسته مخفی میکند و با پخش کفتری اطلاعیه در مرکز کار و یا از طریق سایت اینترنتی، خود را از مراجعه به رهبران مجرب کارگری در محل معاف میکنند. محصول کار اینها را در عمل می بینیم. نه حتی کارگر کنار دست خودشان از وجود جمع این عزیزان خبری دارد، نتیجتا نه منشا اثری اند، نه پای حرکتی. نهادهایی با عنوان کمیته های کارگری و یا اسمی دیگری هم در سایت های انترنتی از طریق آدرس های اینترنتی و یک اطلاعیه گاهای بی هویت ابراز وجود میکنند، که معلوم میشود صرفنظر از وزن شان نزد خودشان، در دنیای واقعی تمام موجودیت شان همان اطلاعیه در دنیای مجازی است و بس.

اما وجه مشترک اینها؛

همگی اینها به جای دین جامعه و جنبش های اجتماعی و حرکت از آنها، از خود شروع میکنند و نهالینا هم به خود برمیگردند. از خودشان شروع میکنند به این معنی که مقدمات اسم و رسم و دفتر و دستکی هرچند بعضا فقط

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



در دنیای مجازی برای خود فراهم میکنند، بعدش هم تمام کاری که میکنند مربوط است به کوچک یا بزرگتر شدن خوششان برای خوششان.

تشکیلات مادر محل، صرفنظر از ابعاد سازمانی و اتوریته سیاسی، نمیتواند و نباید ادامه دهنده این سنت غالب بر فضای چپ رادیکال باشد. کار ما نه سازماندهی پخش کفتری اطلاعیه است، نه پیوستن به کمیته ها و نهادهای به خود مشغول گروههای مختلف چپ. از نظر ما وجود جامعه قبل از اقدام به هر کاری یک پیش فرض بی نیاز از توضیح است. این یعنی قبل از اینکه ما به فکر سازمان دادن کاری و امری باشیم، باید فرض بگیریم که جنبش های اجتماعی در جامعه موجوداند. نوعی از سازمان و سوخت و ساز درونی در هر جنبشی و حرکتی در جریان است. این یعنی وجود رهبران و فعالین حاضر در این جنبش ها و اعتراضات اجتماعی یک پیش فرض هر اقدام و کار اجتماعی است. تشکیلات ما اگر در جایی محل گرد آمدن فعالین، شخصیت ها و رهبران عملی در یک جنبش اجتماعی نیست، اولین کارش برای سازماندهی هر حرکتی و ایفای هر نقشی، مراجعه به آنهاست که در دل آن حرکت اتوریته و کاره و سر اند.

این نگرش از سنتی است که در آن، سازماندهی جامعه اولین و آخرین هدف است. بر این مبنا وقتی که به جامعه مراجعه میکنیم، پیش فرض های معینی همیشه مد نظر ماست؛

- اولین چیزی که در مراجعه به جامعه قابل مشاهده است، وجود طبقات اجتماعی در مقابل هم است. جامعه محل توده به هم فشرده شده اتم های جامعه بشری نیست.

- طبقات اجتماعی در مقابل هم اما در شکل و شمایل جنبشهای اجتماعی صف آرایی میکنند. هیچ جنبشی به نام دفاع از طبقه سرمایه دار در مقابل جامعه صف آرایی نمیکند. طبقات برای شرکت در نبرد طبقاتی نیروی شان را در قالب جنبشهای اجتماعی به میدان روانه میکنند.

- جنبشهای اجتماعی هم به نوبه خود سنن متفاوت اعتراضی در متن خود حمل میکنند که خود این سنن به نوبه خود منشأ احزاب متعدد سیاسی اند.

- اعتراضات اجتماعی نه نتیجه اقدام و نقشه معین احزاب و نیروهای سیاسی، که محصول شرایط اجتماعی اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه است.

- اعتراضات و جنبش های اجتماعی سوخت و ساز درونی خود و رهبران طبیعی خود را دارند. تصور وجود یک اعتراض و جنبش اجتماعی بدون وجود رهبران حاضر در صحنه یک پدیده غیرممکن است.

- تناسب قوای موجود میان گرایشات و سنن سیاسی موجود در تحركات اجتماعی تعیین کننده کیفیت، جهت و سمت و سوی آنهاست.

- راه تاثیر احزاب سیاسی بر اعتراضات و جنبش های اجتماعی از مسیر تاثیر بر این رهبران و فعالین حاضر در صحنه ممکن است.

این پیش فرضها در مورد جنبش کارگری، زنان، جوانان و اعتراضات توده ای مردم برای رسیدن به مطالبات شان صدق میکند. تشکیلات ما برای بالاترین سطح دخالت در تحركات اجتماعی جاری و کسب رهبری آنها باید از کنال مراجعه به رهبران و فعالین این تحركات حرکت کند.

نتیجتا اگر سراغ سازماندهی تشکل کارگری هستیم، اگر سراغ سازماندهی مراسم اول مه هستیم، اگر مراسم هشت مارس و یا تشکلی برای دفاع از رهایی زن را در نقشه داریم، اگر فردا میخواهیم در مقابل بیکاری سنگری ایجاد کنیم، اگر در ریف مائین های صف شده پشت پمپ بنزین سراغ سازماندهی اعتراض شان هستیم... در همه موارد کلید انجام کار در سازماندهی رهبران و فعالین حاضر در صحنه است.

مهم نیست وزن تشکیلات موجود ما در حال حاضر چه اندازه است. ممکن است گفته شود تشکیلات ما فعلا کوچک است و توان دست بردن به سازماندهی و رهبری اعتراضات و مبارزات اجتماعی را ندارد. اگر رفیقی از این سر ابتدا سراغ قدرتمند کردن تشکیلات برود تا در مرحله بعدی سراغ رهبران اجتماعی برود، از همین ابتدا معلوم میشود که خشت خشت آن تشکیلاتی که رویهم گذاشته میشود جنسش از ماتریالی نیست که به درد سازماندهی در جامعه بخورد. لذا رفیق فعال حکمتیست اگر حتی از زاویه تقویت تشکیلاتش هم که باشد، باید در همان قدم اول سراغ رهبران، سازماندهندگان، شخصیت ها، مبلغین و اتوریته های جامعه برود. آنها هستند که میتوانند تشکیلاتی را به سرعت اجتماعی و قدرتمند کنند. از این زاویه هرگاه حتی یک کادر حکمتیست به تنهایی جایی مشغول فعالیت است، در کنار جذب روابط طبیعی پیرامون خود به حزب و سیاستهای حزب، مهمترین اقدام تهیه لیست رهبران و اتوریته های اجتماعی، ارتباط گرفتن، کار کردن، رساندن ادبیات حزب و سیاست کمونیستی به دست آنها و در یک کلمه به راه انداختن تمام امکانات برای رسیدن به آنها، کار با آنها و آوردن شان پشت سیاست های حزب است.

طبعاً در میان این رهبران و اتوریته های اجتماعی، جذب آنها که چپ و رادیکال اند آسان تر است. برای بقیه اما اصلاً نباید دچار پیش فرض و بویژه زدن برجسب های ایندولوژیک معمول در سنت چپ فرقه ای به این و آن شد. در جامعه ای که اجتماعاً چپ کار زیادی نکرده، و رهبران جنبشهای اجتماعی را به خود جذب نموده است، دوری رهبران اجتماعی از چپ را نباید ممانعی در مقابل ارتباط و کار صمیمانه با آنها تلقی کرد. باید همه را در لیست موضوع کار قرار داد و سراغ همه رفت و صمیمانه تقلا کرد و برای جلب توجه شان به سیاست های حزب زحمت کشید. اگر راست جامعه قبل از ما سراغ

آنها رفته است و تحت تاثیر سیاست های خود قرارشان داده است، تقصیرش از ماست که دیر جنیبده ایم. و حالا که جنیبده ایم، توان این دیر جنیبین را ما باید به قیمت تقلا صمیمانه و تلاش خستگی ناپذیر برای جلب توجه شان به سیاست های انسانی خود بدهیم.

## ۲- نهادهای اجتماعی

تعداد نهادهایی و کمپین هایی که در دفاع از حقوق اقشار مختلف در حل فعالیت اند، علیرغم تمام فشاری که رژیم به این نهادها آورده است، بسیار بسیارند. تعداد انجمن ها و گروههای رسمی و غیر رسمی که در دفاع از حقوق زنان تقلا دارند، در سرتاسر کشور بسیارند. تعداد نهادهای دفاع از کودکان با عناوین متعدد، نهادهای متنوعی که جوانان موضوع کارشان است، نهادها و گروههایی که دفاع از محیط زیست، از حقوق بشر، از زندانیان سیاسی، از آزادی بیان، از محیط کار و زندگی امن، گروه های همیاری و همکاری در عرصه های زندگی مردم، گروههای مبارزه با اعتیاد و کمک به معتادین، مبارزه با فحشا از طریق کمک به قربانیان و... بسیار زیاد اند. در این نهادها مردمائی جمع شده اند که بهبود زندگی هم نوع و ارتقای سطح زندگی جامعه به طرق مختلف جزو اهداف تعریف شده و نشده شان است. لذا اینجاها محل بسیار مناسبی برای دخالت با برنامه فعالین و کمیته های کمونیستی در جهت پیشبرد بهتر این تقلاهای انسانی از طرفی و از طرف دیگر جذب فعالین این نهادها و گروهها به سیاستهای حزب و شبکه رادیکال و سوسیالیست پیرامون تشکیلات کمونیستی است. یک مشکل در کار تا به امروز دخالت چپ حاشیه ای در کار این نهادها هست. اینها از فرط تعجیل در جذب افراد به گروه سیاسی شان، فراموش میکنند که این نهادها محل کمک به مردم و در دفاع از حقوق آنهاست. سنت درست دخالت با هدف بهبود این تقلاهای انسانی و جذب جمعیت هرچه بیشتری از مردمان جامعه به این



نهادها و گسترش ابعاد کمی و کیفی فعالیت و خدمات آنهاست. فعال کمونیستی که بیشترین مردم را به این فعالیتها جلب کرده، حلقه دخالت سازمان یافته مردم در زندگی اجتماعی را وسیعتر نموده و بهترین نمونه از کار مثبت اجتماعی را از خود نشان داده است، در عمل جنبش انسان برای تقلا، برای بهبود زندگی، برای رهایی از مصایب اجتماعی را تقویت نموده و پایه های جنبش اجتماعی برای رهایی را گسترش داده است. خود همین کار صرف نظر از اینکه چه اندازه این و آن را به حزب نزدیک کرده است، در خود یک کار در خدمت تقویت جنبش اجتماعی خود است. چنین فردی عملاً مورد اعتماد تعداد

وسعی قرار خواهد گرفت و امکان این را پیدا خواهد کرد که مداوماً فضا را به نفع ایدئولوژی انسانی رادیکال تر و سوسیالیستی تر کند. چنین فضایی میدان وسیعی برای گسترش آرمانها و سیاستهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه حزب و تقویت شبکه پیرامونی تشکیلات کمونیستی خواهد کرد.

### ۳- شخصیت ها

مراجعه ما به رهبران اجتماعی در درون جنبشها تمام کار نیست. در جامعه کارگری ما پدیده رهبران عملی، آزیاتورها یا مبلغین و فعالین پر شور را داریم که جنبش کارگری را هدایت میکنند و در اولویت کار ما قرار دارند. اما نه جامعه فقط جنبش کارگری را دارد، نه کار ما فقط در درون طبقه کارگر است. جامعه طبقاتی مملو از تقلا انسان تحت ستم و زور و تبعیض از میان اقشار مختلف مردم در اشکال متنوع است. کار ما باید تمام این تقلاهای انسانی برای رهایی از هر ذره ای از جهنم طبقاتی موجود را بیوشاند. اینجاست که ما به نقش شخصیت های مدافع حقوق کودک، مدافع حقوق زنان، مدافع محیط زیست و فضای سالم، فعالین کمپین های متعدد علیه زور

و جور موجود از زندانیان سیاسی گرفته تا سنگربندی در مقابل سنگسار و نظامی کردن محیط های زندگی و کار و... هستیم. در این عرصه ها شخصیت ها و فعالینی هستند که نقش رهبران اجتماعی را ندارند، رهبر به معنی اجتماعی نیستند، ولی کسانی اند که راه و چاه کار خود و شیوه و فوت و فن پیشبرد کار را بهتر میدانند.

به جز اینها زندگی و تقلا انسان در عرصه های هنری، ادبی، علمی، ورزشی، فکری و... را داریم که در متن آنها نقش و جایگاه عناصر موثر در زندگی مردم در این عرصه ها کاملاً نمایان است. اینها عرصه هایی اند که بخشی از زندگی جامعه را تحت تاثیر قرار میدهند. اینجا ما شخصیت های علمی، فرهنگی، ادبی، هنری، ورزشی و... را داریم که به نوبه خود بر محیط پیرامون خود تاثیر میگذارند. استاد دانشگاه، دبیر دبیرستان، نقاش و خواننده و موزیسین و ورزشکار شناخته شده، شخصیت های موثر در عرصه های فعالیت خویش اند، که جامعه را به انحاء مختلف تحت تاثیر خود دارند و در نقش بسنن اذهان و شخصیت آدمها موثرند.

در کنار این شخصیت ها و عرصه ها، مراکزی را داریم که محل مراجعه جامعه و مردم اند. دکتر، دندانپزشک، آرایشگر، کتابفروش، مکانیک، خیاط و انواع کارگاه هایی که روزانه محل مراجعات توده های وسیع مردم اند، نقاط کلیدی معینی برای تاثیر بر افکار

عمومی جامعه اند. در جایی مانند ایران که دسترسی مردم به اخبار دقیق به راحتی ممکن نیست و امکان متشکل شدن در دسترس نیست، اینجاها محل پخش دهن به دهن اخبار و از این راه محل شکل دادن به ذهنیات مردم اند. محل برخورد و آشنایی مردم و به هم وصل شدن اند، محل پیوسته شدن و به هم نزدیک شدن حلقه مردمان همدرد اند... نتیجتاً صاحبان و کارکنان این نوع مشاغل و مصادر و خود این محل ها از جایگاه و موقعیت ویژه ای برای تاثیر بر افکار عمومی برخوردارند، و به همین دلیل در لیست اولویت های ما در کار سیاسی برای مراجعه در محل قرار میگیرند.

### ۴- تجمعات طبیعی

ایران جامعه ای است که مردم به هر دلیلی دور هم جمع شوند، سیاست یکی از محورهای اصلی است. علت چند مسئله است؛ اولاً این جامعه به شدت سیاسی و بحرانی است، به شدت از دشمن عمومی اش داغدار و متفرد است، اجازه تجمع و تشکل و اعتراض علنی هم قوتاً موع است. لذا مردم در هر جمع شدنی امر مشترکشان را در صدر موضوعات مورد علاقه جای میدهند. مراسم خاکسپاری و عزاداری، مراسم عروسی، پارتی های وسیع زیر زمینی دوستان و فک و فامیل ها، دور هم جمع شدن های معمولی همه و همه یک بخش شان مختص سیاست است. در این تجمعات بعضی وقتها فضا عملاً به یک جلسه سیاسی تبدیل میشود و به قول

دوستی، عملاً رئیس جلسه لازم دارد. فعال کمونیست باید برای اینها برنامه بریزد و از این تجمعات به بهترین شیوه برای پیشبرد کارش استفاده کند. تیم های ورزشی، میدان ورزش، سالن ها و باشگاههای متنوع ورزشی، تجمعات و بیرون رفتن های با برنامه و بی برنامه و اردوهای خارج شهر و... محل خوب بحث و تبلیغات و آشنایی ها و یاریگری است.

شیوه استفاده از مکانیزمهای اجتماعی را فعالین سیاسی خیره و جا افتاده حفظ اند. با این حال ذکر تک تک مواردی که اینجا میخوانستیم اشاره کم، مسائلی نظیر بحث رهبران اجتماعی، شخصیت ها، فعالین، کمپینها و دست اندرکاران عرصه های مختلف زندگی اجتماعی اشاره به مجموعه امکاناتی است که جامعه در اختیار فعالیت سیاسی نقشه مند گذاشته است. به عنوان جمع بندی بگویم که کمیته کمونیستی، رفیق کادر و فعال کمونیست باید راههای بهترین ورود به قلب جامعه و مناسبت ترین امکانات سازماندهی اجتماعی در محل را در دست بگیرد و طرح فعالیتهای خود را با استفاده از یک نقشه سیاسی اجتماعی فکر شده شروع یا دنبال کند. این تنها راهی است که در امر مراجعه به جامعه میتواند سنت و سبک کار متفاوتی از چپ حاشیه ای و فرقه ای را در فعالیت ما تثبیت کند.

### دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

[Bahram-modarresi@freenet.de](mailto:Bahram-modarresi@freenet.de) - Tel: 0049 174 944 0201

### آدرسها و تلفن های تماس

[asad.golchini@ukonline.co.uk](mailto:asad.golchini@ukonline.co.uk) - Tel: 0044 7940416768

[mozafar.mohamadi@gmail.com](mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com) - Tel: 0046 738595863

[m\\_ghazvini2005@yahoo.dk](mailto:m_ghazvini2005@yahoo.dk) - Tel: 0045 51603121

[khaledhaji@yahoo.com](mailto:khaledhaji@yahoo.com) - Tel: 0046707485754

[azam\\_kamguian@yahoo.com](mailto:azam_kamguian@yahoo.com) - Tel: 0044 788 4040 835

بهرام مدرسی

اسد گلچینی

مظفر محمدی

محمود قزوینی

خالد حاج محمدی

اعظم کم گویان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!